دریچه

با یک مصاحبه رادیویی انجام شد

خداحافظی رسمی مایکل کین با بازیگری

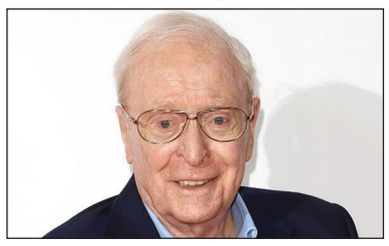

مایکل کین از چهره‌های شـاخص سینمای بریتانیا به صورت رسـمی اعلام کرد از بازیگری بازنشسـته می‌شود.به نقل از ورایتی، سر مایکل کین بازنشستگی رسـمی خود را از بازیگری در ۹۰ سالگی تایید کرد. بازیگر کهنه‌کار بریتانیایی دیروز شـنبه در مصاحبه با یک برنامه رادیویـی این خبر را اعلام کرد و گفت: مدام می‌گویم بازنشسته خواهم شد. خب، حالا هستم. این بازیگر ماه پیش در مصاحبه‌ای با «تلگراف» گفته بود که بازنشسـتگی‌اش از دنیـای بازیگری نزدیک اسـت و همین حالا هم به نوعی بازنشسته محسوب می‌شـود.آخرین فیلمی که از ایـن بازیگر روی پرده رفت «فرار بزرگ» سـاخته الیور پارکر است. در این فیلم بیوگرافی درباره یک کهنه سـرباز جنگ جهانی دوم، وی از خانه سالمندان بیرون می‌رود تا در مراسم بزرگداشت هفتادمین سالگرد «روز دی» شرکت کند. اکران این فیلم از اوایل همین ماه شـروع شـد.کین در مـورد موفقیـت حرفه‌ای خـود و نقش‌هایی که احتمالاً در این سـن به وی پیشنهاد می‌شود، گفت: تنهـا نقش‌هایی که احتمالاً بتوانم بگیرم نقش مردان مسن ۹۰ سـاله، شاید ۸۵ ساله اسـت و فکر کردم خب، بـرای کارهایم نقدهای فوق‌العـاده ای دریافت کـرده‌ام، چرا باید خرابشـان بکنم؟او افـزود: نقش اولی برای یک فرد ۹۰ سـاله نیسـت و بیشتر دنبال پسـران و دختران خوش تیپ جوان هستند.در عین حال او برای افراد سـالخورده روی صفحه نمایش هم گفت: این نقش‌های از نظر مـن، آن‌قدر هم که فکر می‌کنید کمرنگ نیسـتند. به یـاد دارم وقتی جوان بودم با پیرمردهای ۹۰ سـاله صحبت می‌کردم و آنها شـبیه من نبودند. آن‌ها پیرمردهای کوچکی بودند با شانه‌های قوز کرده ... و من فکر می‌کردم من شبیه این نخواهم شد.مایکل کین در چندین دهه و چندین ژانر نقش‌آفرینی کرده است. او در دهه ۱۹۶۰ با بازی در فیلم‌های کلاسـیک مانند «زولو» و «کسب و کار ایتالیایی» شـناخته شد. وی چندین بار با کریستوفر نولان همـکاری کرده و نقش آلفـرد پنی‌ورث را در فیلم‌هـای «بتمن» بازی کرده اسـت و همچنین در فیلم‌های «تلقین» و «بین‌ستاره‌ای» وی حضور داشته اسـت. او بازیگر کمدی‌هایی مانند «الفی» و «آستین پـاورز در گلدمبر» هم بوده اسـت.«کارآگاه» فیلمی در ژانـر نئو نوآر و معمایی بـه کارگردانی جوزف ال. منکیه‌ویچ (۱۹۷۲) در کنـار لارنس الیویه که هر ۲ برای آن نامزدی اسـکار بهترین بازیگر نقش اول مرد را کسـب کردند، از دیگر فیلم‌های ماندگار وی است. کیـن در طول دوران حرفه‌ای خـود جوایز متعددی دریافت کرده که ۲ جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد برای بازی در فیلم‌های «هانا و خواهرانش» سـاخته وودی آلن (۱۹۸۶) و «قوانین خانه سیدر» ساخته لاسـه هالسـتروم (۲۰۰۲) و ۳ جایزه گلدن گلوب از جمله آنهاست. وی سال ۲۰۰۰ لقب شوالیه دریافت کرد.

رئیس سازمان سینمایی سوره:

پرده اکران سینمایی در کشور به ۲۰۰ مورد افزایش یافت

همدلی| رئیس سازمان سینمایی سوره گفت: در سه سال گذشته پرده اکران سینمایی کشور به ۲۰۰ مورد افزایش یافته اسـت.حمیدرضا جعفریان شـنبه شب در آئین افتتاح پردیس سـینمایی مهر ارومیه اظهار کرد: در حالی که تا سه سال گذشته ۱۰۰ پرده اکران داشتیم، این رقم امروز در پایان فاز نخست توسعه‌ای در کشـور به ۲۰۰ پرده اکران افزایش یافته اسـت. او اضافـه کـرد: در حال حاضر حـوزه هنری انقلاب اسـلامی در ۲۴ استان کشور، سـینما دارد و مردم از خدمـات آن در حوزه فرهنگی بهره مند هسـتند. رئیس سازمان سینمایی سـوره ادامه داد: با توجه به آمار موجود، یک سوم اکران کشور در حوزه سینمایی سـوره صورت می‌گیرد.جعفریان اظهار کرد: در دوره جدید بعد از سه سـال قرار است فازهای جدیدی را شـروع کنیم که احداث فروشگاه کتاب و زمین بازی برای کودکان را شـامل می‌شود.او گفت: تولید محتوا از جمله تولید انیمیشن نیز از جمله برنامه‌هایی است که ورود کرده ایم و توفیقات خوبی نیز به دست آمده است.جعفریان افزود: درکنار تولید محتوا باشگاههای فیلم برای جوانان در استان‌ها تأسیس خواهد شد که امیدواریم آذربایجان غربی یکی از نخستین استان‌ها در این حوزه باشد.معاون راهبردی حوزه هنری انقلاب اسـلامی نیز دراین مراسم به بیان خاطراتی از شهید باکری پرداخت و گفت: قـرار بود حوزه هنری پایگاه همیشه حزب اللهی هنر باشـد که امیدواریم به این هدف رسیده باشیم.سعید لشکری افزود: به عهدی که با شهیدان انقلاب اسـلامی و دفاع مقدس بسته ایم پایبند هستیم و این راه را ادامه خواهیم داد.

او بـا اشـاره به اینکه بـا احداث این سـالن، وضعیت زیرساخت‌های سینمایی در ارومیه بهبود یافت، ادامه داد: امیدواریم اسـتان‌های اردبیل و زنجان و دیگر شهرهای منطقه شمال غرب نیز این امر صاحب چنین سینماهایی شـود.در این مراسـم طی حکمی از سوی رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی، هادی سعیدی فرد به عنوان رئیس جدید حوزه هنری آذربایجان غربی معرفی و از زحمات احد هوشمند قره باغ، رئیس پیشین تجلیل شد.

نگاهی دیگر به قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر در خانه شخصی

پایان بهت آور زوج سینمایی!

همدلی| علی نامجو: وقتی خبر شـوکه‌کننده مرگ یا بهتر بگویم قتل او و همسـرش در خانه شخصیشان را شـنیدم، برای چند لحظه پرتاب شدم به هفت سال پیش و نمایشگاه کتاب سال ۹۵ در شهر آفتاب. آن روزها در بخش هنر و رسانه خبرگزاری کتاب ایران کار می‌کردم و در نیمه‌های نمایشگاه آن سال، داریوش مهرجویی باید برای رونمایی از آخرین رومانش تا آن زمان «آن رسید لعنتی» به شهر آفتاب می‌آمد.

انتشـارات «نگار» و شـهرام اقبـال زاده دیدار مهرجویی با دوستدارانش را تدارک دیده بودند اما پیش از آغاز رسمی جشن رونمایی، مهرجویی به «سرای اهل‌قلم» رفته بود تا نفسی تازه کند، آبی بنوشد، سیگاری بکشد و آماده حضور در برنامه‌ای شود که برایش تدارک دیده بودند.

سـردبیر آن روزهای خبرگزاری کتـاب ایران، بهنام ناصح؛ نویسنده و روزنامه‌نگار توانا بود. او از دوستانم شنیده بود که من در گرفتن گفتگوهای لحظه آخـری آن‌هم با چهره‌های سرشـناس قابلیت ویژه‌ای دارم اما راستش از نام مهرجویی و تصاویری قبلی از او در ذهنم تا حدی می‌ترسیدم. وقتی به «سـرای اهل‌قلم» بـرای مصاحبه با او فراخوانده شدم این ترس بیشتر هم شد؛ داریوش مهرجویی با یک کیف‌دستی مندرس، تی‌شرتی مشکی‌رنگ و البته نامرتب و چهره‌ای که بی‌خوابی از آن می‌باریـد، در میان جمع نشسـته بود و قطب‌الدین صادقی و شهرام اقبال زاده و دو سه نفر دیگر دور و برش را گرفته بودند به نظر می‌رسید حالش ناخوش باشـد. قبل از مستقر شدن من روی صندلی کنار مهرجویی، خبرنگار یا جوانی که به‌تازگی داشـت مشق خبرنگاری می‌کرد از راه رسـید و بدون بررسـی اوضاع‌واحوال، گفت: آقای مهرجویی می‌شـود با شما مصاحبه کنم؟ مهرجویی هم از سر بی‌حوصلگی گفت که اصلاً از گفتگو با خبرنگارها خوشش نمی‌آید اما به آن جوان اجازه داد سؤالش را بپرسد. آن جوان خام هم بی مزمزه پرسش خود (شاید خام‌دستانه‌ترین سؤال ممکن) را پرسید؛ آقای مهرجویی می‌شود بگویید تا امروز چند تا فیلم سـاخته‌اید؟ همین پرسـش کافی بود تا مهرجویی را که کوشـیده بود آرام به نظر برسـد، برافروزد و همچون گلوله آتش از سر جایش بلندش کند. فریاد کشید: به خاطر همین اسـت که می‌گویم دوست ندارم با خبرنگارها مصاحبه کنم چون همگی‌شان بدون مطالعه و تخصص فقط می‌خواهند حرف بزنند.

من که به سردبیرم قول داده بودم حتماً مصاحبه را می‌گیرم، نگران‌تر شدم. در همین چند لحظه فرصت چند صفحه از «آن رسید لعنتی» را خوانده بودم و بـا تلاش بیش‌ازپیش برای آنکه خودم را مسلط نشـان بدهم، چند لحظه سکوت کردم. مهرجویی که آرام شد، گفتم: آقای مهرجویی من هم خبرنگارم و به نظر می‌رسد باید سوال بی‌مزه خودم را بپرسم و مرخص شوم. سرش را رو به من چرخاند و گفت: عجب آدم پررویی. خوب تو هم سؤالت را بپرس.

نفسی عمیق کشیدم و بعد پرسیدم: کارگردان و نویسنده‌ای همچون داریوش مهرجویی با داشتن آن‌همه مخاطب در مدیوم سینما اساساً چه نیازی به ادبیات دارد؟ اصلا چند نفر ممکن است بتوانند اثری از مهرجویی نویسنده را بخوانند که او به‌جای سینما تصمیم می‌گیرد در ادبیات حرفش را بزند؟ دوباره سرش را بالا آورد و این بار با لبخند به چهره من نگاه کرد. گفت: به این می‌گن سؤال.

گفتگوی من و داریوش مهرجویی بزرگ که فقط سـر یک پررویازی قرار بود در کوتاه‌ترین حالت ممکن در حد یکی دو سؤال طول بکشد به نیم ساعت یا شـاید کمی بیشتر کشید. آخرسر هم دسـت برد روی میز جلوی خودش و یک جلد از کتاب آن رسید لعنتی را برداشت و با آن خط عجیب‌وغریبش امضا کرد و نوشت تقدیم به بعد هم گفت بنویسـم تقدیم به کـی؟ م هم گفتم بنویسید تقدیم به آوینا دخترم که تازه یک‌ساله شده بود.

او آدرس ایمیل و شـماره تلفن همراهش را هم همان‌جا در صفحه اول کتاب نوشت و بعد رو کرد به من و آرام گفت شـماره و ایمیلم را به کسی نده؛ البته من به تماس کشانی که نشناسم پاسخ نمی‌دهم. بعد هم گفت: هر وقت کارم داشتی اول ایمیل بزن و بعد تلفن کن.

بعدازآن دیدار یکی دو بار دیگر باهم گفتگو کردیم که هنوز یکی از آن مصاحبه‌ها مجال انتشار نیافته اسـت؛ شـاید روزی همین‌جا در همدلی پیش رویتان قرارش بدهم شاید هم...

یکشنبه بامداد حوالی ساعت یک بود که خبر قتل او و همسرش را شـنیدم و راستش فقط شوکه شدم.

به قول یکی دیگـر از همکاران ای‌کاش صبح از خواب بیدار می‌شـدیم و به‌جای آنکه خبر تلخ رفتن خالق «گاو»، «هامون»، «اجاره‌نشـین‌ها» را می‌دیدیم، خودمان را کنار سـینما فلسطین در سـیل جمعیتی پیدا می‌کردیم که در انتظار تماشـای «سـنتوری» در جشـنواره بودیم اما گویا خبر درسـت است و باید ناباورانه از کارنامه سـینمایی یکی از بنیان‌گذاران موج نو سینمای ایران‌بنویسیم.

مهرجویی در طول بیش از نیم‌قرن فیلم‌سـازی، علاوه بر خلق شخصیت‌های ماندگار در سینما، بازیگرانی را با فیلم‌هایش به سینمای ایران معرفی کرده که هرکدام یا سـتاره شدند یا مسیری تازه پیش‌رویشـان باز شـد؛ مثل عزت‌الله انتظامی، خسرو شـکیبایی، بیتا فرهی، علی مصفا و لیلا حاتمی.

آثـار او در سـال‌های دور وقتـی شـرکت در جشـنواره‌های جهانی این‌چنین مرسوم نشده بود، در جشنواره‌های معتبری مثل ونیز، برلین، کن، شیکاگو و توکیو شرکت داشت و جایزه‌هایی هـم گرفت؛ اما به همان میزان فیلم‌هایش دچار ممیزی یا عدم نمایش شده‌اند.

او در یکی از آخرین گفت‌وگوهایش، درباره اینکه آیا قصد ساخت فیلم جدیدی را ندارد، با گلایه از برخی ممیزی‌ها گفته بود: کلاً هم شرایط طوری اسـت که با این گرانی و تورم، فیلم‌سازی صرف نمی‌کند، چون سـاخت یک فیلم دست‌کم ۱۰ میلیارد تومان هزینه دارد و باید موقع اکران ۳۰ میلیارد بفروشد تا به پول اولیه‌اش برسد.

مهرجویی یادآور شده بود: من این روزها در حال نوشتن خاطراتم هستم، آنجا خیلی از مسائل را درباره آنچه بر سر فیلم‌هایم آمد می‌گویم.

کارگردان «اجاره‌نشین‌ها» باوجود گله‌هایی که داشت تأکید می‌کرد: با همه این اتفاق‌ها می‌دانم که سـینما پابرجا می‌ماند چون جوان‌ها هرروز مشتاق فیلم‌سازی می‌شوند و جلو می‌آیند. سینما تفریح مردم است و برای همین، این‌همه سینما در سـال‌های اخیر ساخته شـده است؛ هرچند جای افسوس دارد که وقتی ما می‌گفتیم سینما کم است، چیزی نمی‌ساختند اما حالا که وضع فیلم‌ها به اینجا رسـیده، این‌همه سالن سینما ساخته شده است.

مهرجویی کـه روزگاری به آمریـکا رفت تا در دانشگاه فقط سینما بخواند، رشته اصلی‌اش را به فلسفه با گرایش سینما تغییر داد و در دهه ۱۳۴۰ شـروع به فیلم‌سازی کرد تا سال ۴۸ که یکی از آثار ماندگار سینمای ایران یعنی «گاو» را ساخت؛ فیلمی که تولیدش سختی‌های خود را داشت و تهیه‌کننده‌های زیادی آن را رد می‌کردند، چون آن روزها دور، دورِ فیلم‌هایی مثل «گنج قارون» با رقص و آواز بود.

او در همان سـال‌های قبل از انقلاب چند فیلم دیگر ازجملـه «دایره مینا» را سـاخت و چند سال بعد از انقلاب هم با «اجاره‌نشین‌ها» یکی از بهترین فیلم‌های کمدی سینما را ثبت کرد.

مهرجویی سـال ۶۸ تصمیم به ساخت فیلمی می‌گیرد که هیچ تهیه‌کننده‌ای حاضر به همکاری برای تولید آن نمی‌شـود، چون آن را در فروش موفـق نمی‌داننـد ولی مهرجویی که دوسـت داشـت آنچه را در سر دارد بسـازد برای اولین بار خودش تهیه‌کنندگی یـک فیلم را بر عهده می‌گیرد و این‌طور می‌شود که «هامون»، یکی از به‌یادماندنی‌ترین فیلم‌های مهرجویی و سینمای ایران می‌شود.

«بانو»، «سارا»، «پری»، «لیلا»، «بمانی»، «درخت گلابـی» و «مهمان مامان» دیگر کارهای مهم و شاخص این فیلم‌ساز در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ بودند تا اینکه سال ۸۵ «سنتوری» ساخته شد؛ فیلمی که در جشنواره فجر تحسین‌برانگیز بود و جایزه هم گرفت، اما شبِ اکران عمومی‌اش توقیف شد. این توقیف که ضربه سختی برای مهرجویی بود، سه ماه بعد به قاچاق دی‌وی‌دی فیلم ختم شد.

او که در تمام این سال‌ها مشغول نوشتن و ترجمه هم بوده، پس از «سـنتوری» به سـراغ ساخت فیلم‌هایی رفت که دیگر مثل قبل علاقه‌مندان و مخاطبانش را راضی نمی‌کرد؛ فیلم‌هایی که اگرچه شـاید با دغدغه شخصی و اجتماعی مهرجویی ساخته شـدند اما انتظار طرفداران مهرجویی را برآورده نکردند و این تصـور را پیش آوردند که شاید دوران اوج او هم با تاراج «سنتوری» به پایان رسیده است.

اما مهرجویی که چند سـالی بود می‌خواسـت قصه‌ای دیگر از «سـنتوری» بسـازد، در آستانه نهمین دهه زندگی‌اش فیلم «لامینور» را ساخت که سال گذشته اکران شد.

و اما یکی از آخرین برنامه‌های که برای داریوش مهرجویی تدارک دیده شد، در ۲۳ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ انجمن فیلم کوتاه ایران بزرگداشتی برای داریوش مهرجویی ترتیب دادند که در آن نشان ایسفا را اهدا کردند.

در بخشی از مراسـم به روال سال‌های قبل که تندیس ایسفا به یک فیلم‌ساز قدیمی اهدا می‌شد، فیلم کوتاهی پخش شـد که در آن نشان ایسفا در منزل داریوش مهرجویی به او اهدا شـد، این فیلم‌ساز سخنان کوتاهی را خطاب به فیلم‌سازان مطرح کرد که از اهمیت این نوع فیلم‌سازی سخن می‌گفت و تأکید می‌کرد که فیلم‌سازی کوتاه، کار سـختی است چون در زمان کوتاه باید حرفت را مطرح کنی.

خالـق «اجاره‌نشـین‌ها»، «هامـون»، «لیلا»، «مهمان مامان»، «سـارا» یادآور شـده بود که خودش ۱۰ فیلم کوتاه ساخته و از دست‌اندرکاران آکادمی فیلم کوتاه که در این روزگار کرونا زده این نشان را به او دادند، تشکر کرده بود.

داریـوش مهرجویـی فیلم‌های چـون الماس ۳۳، آقـای هالو، مدرسـه‌ای که می‌رفتیم، بانو، درخت گلابـی، میکس، دختردایی گمشـده، بمانی، طهران تهران، آسمان محبوب، چه خوبه برگشتی، نارنجی‌پوش، اشباح و ... را هم در کارنامه هنری‌اش دارد و باید در مجالی که شاید به زودی فراهم شود، به آن پرداخت.

تااین لحظه روایتهای گوناگونی از قتل او و همسرش مطرح شده؛ از بریده شدن سرشان یا زدن چاقو به گردن آنان یا خفه کردنشان. هر کدام از این روایتها می‌تواند مسیر پیگیری پرونده از سوی پلیس را به کلی تغییر دهد اما تا آنجا که ممنبع حاضر همدلی در صحنه قتل گزارش داده خبری از بریدن سـر آن دو نبوده اسـت؛ ماجرا برخورد چاقو به گردن آنان است. از تهدید او و به خصوص همسرش دو روز قبـل از قتل و نکات و کدهای امنیتی مربوط به این جنایت هم روایتهای گوناگونی مطرح شده. در نهایت اما نتیجه درباره مهرجویی فقید و همسر روانشادش یکی است؛ مرگ!

مهدی آذرپندار دبیر جشنواره فیلم کوتاه تهران در دومین نشست خبری این رویداد:

ما گنگ درست نکرده‌ایم!

همدلی| دومین نشسـت خبری مهدی آذرپندار دبیر چهلمین جشـنواره فیلم کوتاه تهران صبح امروز ۲۳ مهر ماه در پردیس ملت برگزار شد.در ابتدای این نشست آذرپندار گفت: پیش از هر چیزی مایلم مراتب تأسف عمیق خودم را از بابت اتفاقی که شب گذشـته برای آقای مهرجویی افتاد، اعلام کنم. می‌دانم شرایط مناسـبی نیست و همه ما دل و دماغ مناسـبی نداریم تا درباره موضوع دیگری صحبت کنیم.

امیدوارم در اسـرع وقت به این ماجرا رسیدگی شود و عاملان به مجازات برسـند. روح هر ۲ نفر شاد باشد، یادشان گرامی باد. او ادامه داد: همچنین درباره اتفاقاتی که در غزه رخ داده و کودکانی که زیر بمباران هسـتند مراتب تأسف خودم را اعلام می‌کنم. ۲ سالی است که در جشنواره تلاش کردیم، بگوییم نسبت به کودک کشی حساس هستیم و فیلم‌های این چنینی را نمی‌پذیریم ولی حالا جشنواره در شـرایطی برگزار می‌شود که کودکان غزه زیر شدیدترین بمباران هستند اما مقاومت آنها نتیجه خواهد داد. دبیر جشنواره فیلم کوتاه تهران درباره جشنواره فیلم کوتاه تهران بیان کرد: چیز زیادی به برگزاری جشنواره نمانده و پنجشنبه افتتاحیه خواهیم داشت.

از آن جهت که در نشست اول نکاتی را گفته بودم به نظرم باید امروز گزارشی را ارائه دهم. تعداد پذیرفته شدگان شاید نسبت به دوره‌های دیگر کمتر باشد اما ما تلاش می‌کنیم روی کیفیت تاکید داشته باشیم به همین علت ممکن است تعداد آثار بخش ملی کم باشد. از هیأت انتخاب خواهش کردیم مسأله کیفیت را مورد توجه قرار دهند. به دلیل تثبیت وجه بین‌المللی جشنواره در سال‌های اخیر سعی کردیم آثار را با سخت‌گیری کیفی برگزینیم. در بخش بین‌الملل هم آثاری از کشورهای مختلف آمد که رکورد چهل ساله جشنواره را جابه‌جا کرد.مدیر انجمن سینمای جوانان ایران مطرح کرد: جشنواره فیلم کوتاه تهران یکی از سخت‌ترین ورودی‌ها را نسبت به جشنواره‌های دیگر جهان دارد. از هر هزار فیلم هشت فیلم برای حضور در جشـنواره انتخاب می‌شوند. شعار جشنواره آینه تمام نمای ایران بود و تمام سعی ما بر این بود که بتوانیم از تمام ایران آثاری با حفظ کیفیت بپذیریم. قرار نبود کیفیت فدای رویکرد و محتوای ما شود اما می‌خواستیم تمام تلاش خود را کنیم این نگاه را به فیلمسازان بدهیم که قرار نیست جشنواره با آنکه نام تهران را روی خود دارد فقط میزبان فیلمسازان تهرانی باشد به همین دلیل در این زمینه رشد داشتیم و تعداد آثار پذیرش شده از فیلمسازان استانی بیش از فیلمسازان تهرانی است.او یادآور شد: این برای نخستین بار اسـت که این اتفاق رخ می‌دهد و معادل ۵۵ درصد آثار پذیرش شـده از شهرستان‌ها هستند. نسبت به دوره گذشته هم در این زمینه رشد داشته‌ایم و برای ما خوشحال کننده است از استانی مثل گلستان سه فیلم داریم که در دوره‌های گذشته چندان حضور نداشتند. ما از شهرهای کوچک استانی هم فیلم داشتیم که مایه خوشحالی ماست. شاید مهمترین دستاورد ما این باشد که به فیلمسازان شهرستانی توجه شده و البته آثار آنها از کیفیت خوبی برخوردار هستند ضمن اینکه هیأت انتخاب اصلاً به شهر تولید کننده توجه نداشتند.

آذرپندار با اشاره به نسبت حضور فیلمسازان زن به مرد در جشنواره گفت: تعداد خانم‌ها نسـبت به دوره‌های گذشـته بیشتر شده و امیدوارم هر سال حضور خانم‌ها افزایش پیدا کند. در بحث بومی گرایی در ژانر هم اتفاق خوبی رخ داده است. ما در سال‌های گذشته با درام‌های اجتماعی زیادی روبرو بودیم و تعداد فیلم‌های مرتبط با ژانر حدود ۷-۸ فیلم بود اما امسال تعداد ژانرها قابل توجه است. ۸ اثر کمدی، ۱۰ ملودرام، ۱۳ فانتزی، ۳ فیلم دفاع مقدسـی، ۳ فیلم معمایی، ۶ فیلم رازآلود، ۲ فیلم علمی تخیلی، یک درام جنگی، یک فیلم نوآر و ۱۹ فیلم درام در جشنواره داریم.

امسال سعی کردیم بخش عکس را هـم یک بخش جنبی اما مهم بدانیم کـه در این بخش هم استقبال خوبی شده است. ۶۹۱ تک عکس و ۴۸ مجموعه عکس به ما ارسال شد که از بین این تعداد ۳۲ اثر شامل ۳۱ تک عکس و یک مجموعه عکس انتخاب شدند.دبیر این رویداد مطرح کرد: ما امسال بخش‌های جنبی مفصلی داریم. سعی شده آن سخت‌گیری را که در بخش مسابقه وجود داشت در بخش جنبی نداشته باشیم. یک بخش استعداد نو مخصوص فیلم اولی‌ها هم داریم.

ادامه در صفحه ۵

رویداد

نادر ترکمن درگذشت

همدلی| نادر ترکمن، هنرمندی که نقاشی هایش تداعی کننده سفری دور و دراز در کهن الگوها بود، در پی یک دوره بیماری در تهران درگذشت.

پیکر زنده‌یاد ترکمن ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه روز دوشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۲ تشییع و در قطعه ۹۶ بهشت زهرا (س) به خاک سـپرده می‌شود. همچنین مراسم ترحیم این هنرمند فقید، روز چهارشنبه (۲۶ مهر ماه) از ساعت ۱۷ الی ۱۹ در مجتمع سامان به نشانی تهران، خیابان شیراز برگزار می‌شود. زنده‌یاد ترکمن متولد ۱۳۴۰ در تهران، تحصیلات مقدماتی خود را در هنرستان هنرهای زیبای تهران (۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷) گذراند و تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه ایالتی نبراسکا (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴) به اتمام رساند.این هنرمند اولین نمایشگاه انفرادی خود را سال ۱۳۷۴ در گالری گلستان برگزار کرد و پس از آن، در سال ۱۳۷۶ دومین نمایشگاه انفرادی خود را در گالری منصوره حسینی روی دیوار برد.آخرین نمایشگاه این هنرمند نیز سال ۱۳۹۶ در گالری سهراب برگزار شد. او همچنین آثار خود را، در نمایشـگاه‌های انفرادی و گروهی بسیاری در واشینگتن و تهران به نمایش گذاشت.ترکمن در زندگی خود همواره در پی کشف ایده‌ها و معناهای تازه بود و این خصلت را از طریق جسـتجوی عینی در ناخودآگاه پی می‌گرفت.خودش می‌گفت در نقاشی‌هایش سعی کرده از «پایان‌های متقارن» فاصله بگیرد؛ با این حال بر این باور بود که در هندسه، یک نیروی متقارن ذاتی وجود دارد که مبارزه با آن دشوار است.

انتشار ۲ آلبوم جدید

«سلاسل» شنیدنی شد

همدلی| آلبوم‌های «سلاسـل» با موسیقی میرسعید حسـینی‌پناه و آواز علی مومنیان و «بودن و زمان» به آهنگسازی احسان بنی‌طبا عنوان مجموعه موسیقایی جدیدی هسـتند که به تازگی در دسـترس مخاطبان قرار گرفته‌اند.«سلاسـل» و «بـودن و زمان» عنوان ۲ آلبوم جدید هستند که به تازگی با آهنگسازی میرسعید حسـینی‌پناه و احسـان بنی‌طبا پیش روی مخاطبان قرار گرفته‌اند. آلبوم «سَلاسِـل» با موسیقی میرسعید حسینی‌پناه و آواز علی مومنیان از جمله محصولات در ژانر موسیقی ردیف دستگاهی ایرانی است که به تازگی منتشـر شده است.«سلاسل» با شـعر سعدی و احمد شاملو، «صِلَت» در قالب قطعه بی‌کلام، «فانی» با شعر عنقا، «یادبَاد» با شعر حافظ قطعاتی هستند که در این آلبوم گنجانده شده‌اند.آلبوم «بودن و زمان» هم از جمله آثار جدیدی است که در قالب یک اثر موسیقایی بی‌کلام با هنرمندی احسـان بنی‌طبا پیش روی مخاطبان قرار گرفته است.«بودش و دگرگونی»، «زمانک در حال ذوب شدن است»، «چه شـکوهی در من است»، «پریشانی فقط آشـفتگی نیروهاسـت»، «در افق»، «پاسخی از جهان»، «زندگی، خود معجزه است»، «آسودنی مطلق» قطعاتی هستند که در این آلبوم گنجانده شده‌اند.احسان بنی‌طبا در بخشی از توضیح این آلبوم آورده است: «آلبوم موسیقی «بودن و زمان» از لحاظ ساختار دارای شاخصه های موسیقی امبینت و موسیقی «دِرُن» است. در نگاه من این ۲ سـبک موسیقی، بسـیار بیش از آن که به عنوان ژانر با سبک موسیقی بتوانند طبقه‌بندی شوند، نوعی فرم و سـاختار موسیقایی‌اند که هر یک متضمن شعور و ادراکی منحصر به فرد بوده و هر چند به عنوان فرم‌هایی مدرن طبقه‌بندی می‌شـوند اما پیدایش آنها قدیم‌تر از تمامی فرم‌های موسـیقایی است.در نگاه من موسیقی امبینت درباره ادراک و دریافت مودهای مستتر در محیط‌هاست، ادراک تِم‌های روانی و وجوه احساسی جاری در محیط‌ها، شهودِ وضعیت‌ها و حالات احساسی و دریافت حـال و هواهای عاطفی موجـود درآنها.به زبانی دیگر موسیقی امبینت فرآیند کشف و استخراج آمبیانس روانی و کدهای عاطفی محیط‌ها و ترجمه آن به زبان موسیقایی اسـت. همچون استخراج مودهای نهفتـه در «عصرگاه یک راهـروی آبی‌رنگ در طبقه هفدهم هتلی متروکه در جنگلی کوهستانی با پنجره‌ای تمام قد در انتهایش» یا مودهـای «اتاق یک نوزاد به تازگی از خوابی شـیرین برخاسته در سکوت صبحگاه و خیره به رقص نور سفید پنجره اتاق در نسیم خنک صبحگاهی.موسیقی امبینت می‌گوید محیط‌ها زنده‌اند، اوقات زنده‌اند؛ و هر زنده بودنی دارای درجه‌ای از آگاهی اسـت، دارای نوعی از ذهن و در تجربه و ابزار همزمان مودها و احوالات و ذهنیات.»

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران «سهامی خاص»

نوبت دوم

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی شماره ۷۸/ج د/۱۴۰۲
مربوط به خرید یک عدد تابلو برق ۴۰۰ وات – درخواست شماره ۰۱۰۰۱۶۳

شـرکت بهره برداري نفـت و گاز گچسـاران در نظر دارد فراخـوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه خریـد یـک عـدد تابلـو بـرق ۴۰۰ وات بـه شـماره (۲۰۰۲۰۹۲۶۶۰۰۰۰۲۵۸) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسـال دعوتنامه جهت سـایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سـامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سـتاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۲ الي ۱۴۰۲/۰۷/۱۴ می باشـد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسـال خواهد شـد. حداقل امتیاز ارزیابي کیفي ۵۵ امتیاز مي باشد. شـرکت‌ها و موسسـات دانـش بنیـان در مناقصات و عرضـه کالاهای دانش بنیان ساخت داخل دستگاه های اجرایی حائز اولویت می باشند و همچنین کالای پیشنهادی الزاماً می بایست از فهرست بلند منابع واحد دستگاه مرکزی وزارت نفت (AVL) تامین گردد.

مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی تاریخ : ۱۴۰۲/۰۷/۲۶
مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی تاریخ : ۱۴۰۲/۰۸/۱۰
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار : آدرس : گچساران ـ فلکه الله ـ شرکت بهره برداري نفت و گاز گچساران
تلفن : ۳۲۲۲۴۴۱۲ – ۳۱۹۲۱۵۹۳ ـ ۰۷۴
مرکز تماس سامانه ستاد : ۴۱۹۳۴ـ۰۲۱
دفتر ثبت نام سامانه ستاد : ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

شناسه آگهی : ۱۵۸۱۸۸۶
شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران